The Role of Local Online Networks in Empowering Women from Lower Class in Tehran Province (A Study Based on Big Data Mining of Instagram)

Abolfazl Hajizadegan
Ph.D Candidate of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
(a.hajizadegan@ut.ac.ir)

Hamidreza Jalaeipour
(Corresponding Author)
Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
(jalaeipour@ut.ac.ir)

Abstract
This study employs data mining techniques on Instagram big-data to identify and configure the most influential local networks and fields across 11,515 high-engagement local pages in Tehran Province, using social network analysis methods. The findings reveal that as internet penetration has deepened in citizens' daily lives, working-class women have gradually formed robust local online networks, enabling them to create extensive informal micro-enterprises, and emerge as an unintended new social force driving socio-political change. The dominant poles within identified local fields, ranked by network size, are: women engaged in Instagram-based micro-enterprises, celebrities, conservatives, central-city residents, street toughs ("Lāts"), Turkish-speaking communities, pigeon-keeping enthusiasts. Among these seven local fields, national influencer pages exhibit strongest authority within: celebrity networks (highest), working women's networks, conservative circles; indicating these three fields possess greater capacity to directly shape citizens' political attitudes and behaviors. Notably, women engaged in Instagram-based micro-enterprises networks demonstrate significantly greater influence in: high-migration zones, recently developed suburban settlements, areas with weaker traditional/religious/governmental institutions. The study concludes that Tehran's emerging pattern of "quiet encroachments" differs fundamentally from pre-internet era movements in terms of: formation contexts, geographical distribution, core social actors, and types of demands.

Keywords: Online local networks, Lower class women, Instagram, Data mining, Community detection

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

نقش شبکه‌های محلی آنلاین در قدرت‌یابی زنان طبقهٔ فرودست در استان تهران (مطالعه‌ای بر اساس داده‌کاوی کلان‌داده‌های اینستاگرام)

ابوالفضل حاجی‌زادگان[۱] حمیدرضا جلائی‌پور[۲]

چکیده

در این تحقیق که با داده‌کاوی بر روی کلان‌داده‌های اینستاگرام انجام شده است، با استفاده از روش اجتماع‌یابی بر روی شبکهٔ روابط مابین ۱۱ هزار و ۵۱۵ صفحهٔ پُرمخاطب محلی در استان تهران، تأثیرگذارترین شبکه‌ها و میدان‌های محلی در استان تهران شناسایی و پیکربندی شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که در سال‌های اخیر به‌واسطهٔ فراگیرترشدن استفاده از اینترنت در زندگی روزمرهٔ شهروندان، زنان طبقهٔ فرودست توانسته‌اند با تشکیل تدریجی شبکه‌های محلی آنلاین، به‌طور گسترده‌ای مشاغل خُرد و غیررسمی برای خود ایجاد کرده و همچنین به‌طور ناخواسته به نیروی اجتماعی جدیدی در تغییرات اجتماعی و سیاسی تبدیل شوند. قطب‌های مسلّط در میدان‌های محلی شناسایی‌شده به‌ترتیبِ وسعت شبکه عبارت‌اند از: زنان دارای مشاغل آنلاین، سلبریتی‌ها، محافظه‌کاران، مرکزنشین‌ها، لات‌ها، ترک‌زبان‌ها و کفتربازها. در بین این هفت میدان محلی آنلاین، بیش‌ترین مرجعیت صفحه‌های پُرمخاطب ملی، به‌ترتیب در میدان سلبریتی‌ها، زنان شاغل و محافظه‌کاران دیده می‌شود و از این جهت این سه میدان محلی آنلاین، قابلیت تأثیرگذاری مستقیم‌تری بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی شهروندان دارند. میدان‌های محلی زنانِ دارای مشاغل آنلاین به‌طور معناداری در مناطقی از استان تهران قدرت بیش‌تری دارند که مهاجرپذیرترند، در سال‌های اخیر در آن‌ها شهرک‌سازی انجام شده و نهادهای سنتی، مذهبی و حکومتیِ ضعیف‌تری دارند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، الگوی متأخر پیش‌روی‌های آرام در استان تهران، به‌لحاظ بستر شکل‌گیری، موقعیت جغرافیایی، نیروی اجتماعی محوری و نوع مطالباتش، تفاوت‌های اساسی‌ای با پیش‌روی‌های آرام در دوران پیشااینترنتی پیدا کرده است.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های محلی آنلاین، زنان طبقهٔ فرودست، اینستاگرام، داده‌کاوی، اجتماع‌یابی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران/a.hajizadegan@ut.ac.ir

مقالهٔ حاضر مستخرج از رسالهٔ دکتری با عنوان «شناسایی و تبیین الگوهای رفتار سیاسی طبقهٔ فرودست در ایران» در دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌باشد.

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)/jalaeipour@ut.ac.ir

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

مقدمه و طرح مسئله

پیرامون تأثیر فضای آنلاین بر صف‌آرایی‌های سیاسی و اجتماعی، دو رویکرد متباین وجود دارند. در یک سو، شاهد ادبیاتی اغراق‌آمیز دربارهٔ نقش تعیین‌کنندهٔ فضای آنلاین بر تمامی واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی هستیم و در سویی دیگر، گروهی با نادیده‌گرفتن واقعیت‌هایی که «مجازی» خوانده می‌شوند، تمام تمرکزشان را بر واقعیت‌های آفلاین معطوف کرده‌اند. با توجه به این که هر دو گروه می‌توانند در تأیید ادعاهایشان به بُرش‌هایی از واقعیت استناد کنند، فراتررفتن از این دعوای نظری فرساینده مستلزم انجام پژوهش‌هایی است که علاوه بر روش‌مندی، چارچوب‌بندی مناسبی نیز برای مشاهدهٔ توأمان متغیرهای آنلاین و آفلاین داشته باشند تا میزان توضیح‌دهندگی هر کدام از متغیرهای آنلاین و آفلاین در مسائل و حوزه‌های گوناگون تا حدودی روشن‌تر شود.

در این پژوهش که بخشی از رسالهٔ دکتری در ارتباط با رفتارهای سیاسی طبقهٔ فرودست در استان تهران است، قصد داریم با رجوع به کلان‌داده‌های اینستاگرام، ضمن شناسایی شبکه‌های محلی آنلاین در این استان، ویژگی‌های هر کدام از این شبکه‌های محلی و نیز چگونگی برهم‌کنش این شبکه‌ها را با یکدیگر و نیز با شبکه‌های ملی مورد بررسی قرار داده و نهایتاً نقش شبکه‌های اجتماعی آنلاین در قدرت‌یابی مؤثرترین نیروهای اجتماعی در این شبکه‌های محلی را مورد ارزیابی قرار دهیم.

در سال‌های اخیر با افزایش شتاب‌مند نفوذ اینترنت در زندگی روزمرهٔ مردم، نظریهٔ «پیوندهای ضعیف» که گرانووتر[1] در حدود نیم قرن پیش برای تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای اقتصادی مطرح کرده بود (گرانووتر، ۱۹۷۳)، این‌بار مورد توجه جدی پژوهش گران شبکه‌های اجتماعی آنلاین قرار گرفته است. گرانووتر روابط اجتماعی را به دو دستهٔ «پیوندهای قوی»[2] (مانند دوستان نزدیک و اعضای خانواده) و «پیوندهای ضعیف»[3] (مانند آشنایان و همکاران) تقسیم کرده و توضیح می‌دهد که در شبکه‌های اجتماعی افراد معمولاً در پیوندهای قوی خود اطلاعات مشترکی دارند، درحالی‌که پیوندهای ضعیف اطلاعات جدید و متنوع‌تری را منتقل می‌کنند. این پیوندهای ضعیف در واقع «پل‌های محلی»[4] هستند که افراد را به گروه‌های دیگر متصل کرده و باعث انتقال اطلاعات بین گروه‌های مختلف می‌شوند. نهایتاً گرانووتر نتیجه‌گیری می‌کند که برخلاف انتظار اولیه، پیوندهای ضعیف نَه‌تنها کم‌اهمیت نیستند، بلکه نقش بسیار مهمی در شبکه‌های اجتماعی و انتشار اطلاعات ایفا می‌کنند. افراد از طریق این پیوندهای ضعیف به منابع جدیدی از اطلاعات و فرصت‌ها دسترسی پیدا می‌کنند که از طریق پیوندهای قوی امکان‌پذیر نیست.

با درنظرگرفتن مفهوم‌سازی‌هایی که گرانووتر برای تبیین منطق کنش‌های فردی و جمعی شهروندان در شبکه‌های اجتماعی آفلاین انجام داده است، می‌توان شبکه‌های محلی آنلاین را نیز مصداق پل‌های محلی‌ای در نظر گرفت که بر اساس پیوندهای ضعیف شکل گرفته و ضمن شکل‌دادن به میدان‌های محلی نسبتاً مستقل، تسهیل‌کنندهٔ انتقال پیام از سوی شبکه‌ها و میدان‌های ملی نیز می‌شوند.

یکی از مهمترین ویژگی‌های شبکه‌های محلی (اعم از آنلاین و آفلاین) این است که افراد یا گروه‌ها را در شبکه‌های مجزا به هم وصل کرده و به انتقال اطلاعات میان گروه‌های مختلف کمک می‌کنند. در واقع، این شبکه‌ها می‌توانند در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان تسهیل‌کننده‌هایی کلیدی عمل کنند (هوانگ[5] و همکاران، ۲۰۱۹). اما تأکید هوشمندانهٔ گرانووتر بر قدرت

1. Granovetter
2. Strong Ties
3. Weak Ties
4. Local Bridges
5. Huang

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

پیوندهای ضعیف، نباید ما را از اهمیت پیوندهای قوی غافل کند. ترکیب روابط قوی و ضعیف می‌تواند به ایجاد شبکه‌های ارتباطی مؤثرتر و بهبود فرآیند تصمیم‌گیری کمک کند. روابط قوی می‌توانند اعتماد و همبستگی ایجاد کنند، درحالی‌که روابط ضعیف می‌توانند دسترسی به اطلاعات جدید و متنوع را تسهیل کنند و در نتیجه ترکیب این دو نوع ارتباط می‌تواند به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری در گروه‌های بزرگ منجر شود (وو[1]، ۲۰۲۴).

شناخت بهتر و عمیق‌تر واقعیت‌های فضای آنلاین مستلزم رفت‌وبرگشت مداوم میان فضای آنلاین و فضای آفلاین است. کاستلز[2] معتقد است که جامعهٔ شبکه‌ای، جامعه‌ای صرفاً مجازی نیست و فضای جریان‌های آنلاین در تعامل با فضای مکان‌های آفلاین، واقعیتی ترکیبی ایجاد می‌کند که بدون درنظرگرفتن هر دو بُعد قابل‌درک نیست (کاستلز، ۱۹۹۶). تارا ال. کانلی[3] که یکی از شارحین نظریهٔ «پیوستگی آنلاین - آفلاین» است نیز معتقد است واقعیت‌های آنلاین منجر به شکل‌گیری واقعیت‌های آفلاین می‌شوند و بالعکس؛ و این تعامل به بازسازی تجربیات در زمینه‌های مختلف منجر می‌شود (کانلی، ۲۰۱۲). هنگامی که بر شبکه‌های محلی آنلاین متمرکز می‌شویم، درهم‌تنیدگی فضاهای آنلاین و آفلاین بیش‌تر برایمان جلوه‌گر می‌شود؛ چراکه این شبکه‌ها هم در فضای آنلاین بروز پیدا می‌کنند و از طرفی مبتنی بر روابطی‌اند که مابه‌ازای آفلاین نیز دارند. از این جهت است که رابرت پاتنام[4] علی‌رغم نگاه نسبتاً بدبینانه‌اش نسبت به فناوری‌های ارتباطی جدید، معتقد است که استفاده از این ابزارهای جدید در لایه‌های محلی برای سازمان‌دهی اقدامات جمعی می‌تواند منجر به افزایش سرمایهٔ اجتماعی شود (پاتنام، ۲۰۱۵). از این جهت، این پژوهش با هدف پُرکردن شکاف میان رویکردهای آنلاین و آفلاین، ضمن استفاده از تکنیک‌های تحلیل شبکه‌های اجتماعی[5] در تحلیل شبکه‌های محلی آنلاین، به‌طور توأمان زمینه‌های آفلاین شکل‌گیری و تأثیرگذاری این شبکه‌های اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داده است.

چارچوب مفهومی

بر اساس نظریه‌های مرورشده، الگوی کلی روابط متقابل میان کاربران/شهروندان با شبکه‌های محلی و ملیِ آنلاین و آفلاین را می‌توان در شکل شمارهٔ ۱ مشاهده کرد. آن‌چه در این الگو مورد تأکید قرار می‌گیرد این است که واقعیت‌های مرتبط با فضای آنلاین لازم است که از یک سو در پیوند با فضای آفلاین و از سوی دیگر در رفت‌وبرگشت مداوم میان سطوح محلی و فرامحلی مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرد. همان‌طورکه پژوهش همپتون و ولمن (۲۰۱۸) نیز نشان می‌دهد، رسیدن به فهم درست‌تر و عمیق‌تر از منطق موقعیت شهروندان/کاربران در گرو توجه توأمان به تمامی اجزای این شبکهٔ ارتباطاتی است.

1. Wu
2. Castells
3. Conley
4. Putnam
5. Social Network Analysis

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

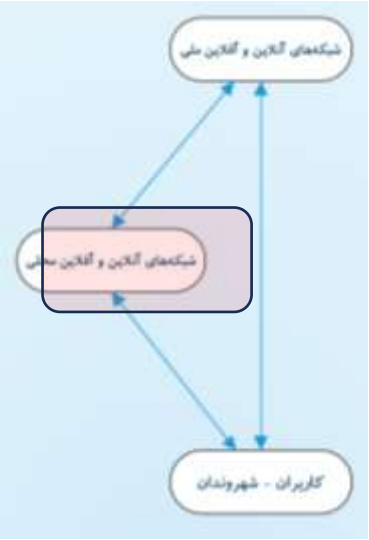

شکل شمارهٔ ۱: الگوی روابط متقابل میان شهروندان و شبکه‌های محلی و ملی

در سال‌های گذشته، بعضی از پژوهش‌گران از نظریهٔ میدان بوردیو برای تحلیل نحوهٔ تعاملات نیروهای مؤثر در فضای آنلاین استفاده کرده‌اند. به‌عنوان مثال، مارکو سرینو[1] در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ و شبکه‌ها در میدان‌های اجتماعی آنلاین» به این نکته اشاره می‌کند که شبکه‌های اجتماعی آنلاین مانند فیس‌بوک و توییتر به‌عنوان «میدان‌های آنلاین» عمل می‌کنند که در آن‌ها افراد از فرهنگ (به‌ویژه از طریق اشتراک‌گذاری محتوا و تجربیات شخصی) برای تعامل با یکدیگر استفاده می‌کنند. این شبکه‌ها هم‌زمان ساختار اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارند که از طریق آن افراد به طبقه‌بندی یکدیگر و به اشتراک‌گذاری محتوا می‌پردازند. سرینو به استفاده از کلان‌داده‌های شبکه‌های اجتماعی آنلاین به‌عنوان ابزاری برای تحلیل تعاملات آنلاین و فهم ساختارهای اجتماعی تأکید دارد. وی همچنین به ترکیب تحلیل شبکه‌های اجتماعی با نظریهٔ بوردیو در زمینهٔ فرهنگ و ساختارهای اجتماعی اشاره می‌کند. به بیان دیگر سرینو در این مقاله بر اهمیت روابط متقابل میان فرهنگ و ساختار در محیط‌های آنلاین تأکید داشته و نشان می‌دهد که چگونه افراد در این فضاها از فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط و تأثیرگذاری بر دیگران استفاده می‌کنند (سرینو، ۲۰۲۱). در این تحقیق نیز قصد داریم با داده‌کاوی بر روی کلان‌داده‌های اینستاگرام، نهایتاً به یک پیکربندی از شبکه‌ها و میدان‌های محلی آنلاین در استان تهران دست یابیم. در این‌جا مفهوم پیکربندی[2] را به‌معنایی که نوربرت الیاس مطرح کرده است به‌کار می‌بریم؛ یعنی مجموعه‌ای از افراد به‌هم‌پیوسته که رفتار و کنش هر کدام تحت تأثیر روابط متقابل میان آن‌ها قرار دارد. الیاس معتقد است بررسی یک میدان اجتماعی، در وهلهٔ نخست کشف‌کردن ساختارهای بنیادی است که به همهٔ رویدادهای یک میدان اجتماعی معیّن، جهت‌گیری و ریخت‌شناسی ویژه‌ای را القا می‌کند. این‌جاست که می‌توانیم وجوه مشترک جامعه‌شناسی الیاسی و جامعه‌شناسی بوردیویی را ببینیم (هنیش، ۱۳۸۹).

اینستاگرام در طی سال‌های گذشته، اقبال چشم‌گیری در جامعهٔ ایران پیدا کرده است. بر اساس پیمایش ایسپا، در شهریور سال ۱۴۰۳، ۵۰٫۶% از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که از اینستاگرام استفاده می‌کنند. این در حالی است که نسبت کسانی که در شهریور سال ۱۳۹۶ گفته بودند از این پلتفرم استفاده می‌کنند، تنها ۹٫۷% بوده است (ایسپا، ۱۴۰۳). البته این اقبال فزاینده صرفاً

1. Serino
2. Configuration

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

به‌صورت کمّی نبوده و به‌طور کلی می‌توان گفت که فضای ایرانیِ اینستاگرام در طی سال‌های گذشته، علاوه بر رشد کمّی، متکثرتر نیز شده است. بر اساس پژوهش طولی حاجی‌زادگان بر روی صفحه‌های پُرمخاطب ایرانی در اینستاگرام در سال ۱۳۹۸، پنج گروه اصلی در بین صفحات پُرمخاطب ایرانی در اینستاگرام به‌ترتیب شامل صفحات «طنز و سرگرمی»، «سینمایی»، «مد و زیبایی»، «موسیقی» و «پورنوگرافی» بوده‌اند که سهم هر کدامشان به‌ترتیب ۳۲، ۱۴، ۱۳، ۱۱ و ۹% بوده است. این نسبت‌ها در سال ۱۴۰۳ به‌ترتیب به ۲۴، ۷، ۴، ۱۰ و ۰/۷% رسیده است؛ که نشان می‌دهد مجموع سهم این پنج گروه در فاصلهٔ پنج سال از ۷۹% به ۴۶% کاهش یافته است. همچنین، درحالی‌که صفحه‌های «آموزشی»، «کسب و کار»، «سبک زندگی»، «احساسی»، «گردشگری» و «مذهبی» در سال ۱۳۹۸ به‌ترتیب سهم ۵، ۲، ۲، ۰، ۰/۲ و ۰/۳% داشته‌اند (در مجموع ۸ درصد)، این نسبت‌ها در سال ۱۴۰۳ به‌ترتیب به ۱۷، ۱۲، ۷، ۲/۹، ۲/۳ و ۱/۵ درصدی رسیده و در واقع در فاصلهٔ پنج سال از مجموع سهم حدود ۸ درصدی به مجموع ۴۳ درصدی رسیده‌اند (حاجی‌زادگان، ۱۴۰۳). در نتیجه، می‌توان گفت اینستاگرام، فراگیرترین و متکثرترین پلتفرم آنلاین در ایران است و از این جهت، در این پژوهش بر روی این پلتفرم متمرکز شده‌ایم.

در این پژوهش منظور از صفحات اینستاگرامی محلی استان تهران، آن دسته از اکانت‌های اینستاگرامی‌اند که بیش از هزار دنبال‌کننده دارند، در طی یک سال گذشته در اینستاگرام فعالیت داشته باشند، و به‌طور مشخص در محدودهٔ یکی از شهرستان‌ها یا محله‌های استان تهران فعالیت کنند. لازم به توضیح است که با توجه به گستردگی و بزرگی شهرستان تهران، صفحاتی که در گسترهٔ شهر تهران فعالیت می‌کنند را وارد این لیست نکرده‌ایم[1].

با درنظرگرفتن ملاحظات فوق، پرسش‌های این پژوهش به شرح ذیل هستند:

۱. شبکه‌های محلی آنلاین در استان تهران از چه گروه‌هایی تشکیل شده‌اند؟
۲. توزیع جغرافیایی و جنسیتی شبکه‌های محلی آنلاین در استان تهران چگونه است؟
۳. بر اساس انباشت روابط در دو سطح محلی و ملی، اصلی‌ترین میدان‌های محلی آنلاین در استان تهران کدامند؟
۴. شبکه‌های اجتماعی آنلاین در قدرت‌یابی مؤثرترین نیروهای اجتماعی در این شبکه‌های محلی چه تأثیری داشته است؟
۵. الگوی پیشروی آرام در استان تهران در سال‌های اخیر چه تفاوت‌هایی با دوران پیشا اینترنتی پیدا کرده است؟

پیشینهٔ تجربی

همپتون و ولمن[2] (۲۰۱۸) در مطالعهٔ تحولات جوامع محلی در عصر دیجیتال نشان داده‌اند که نگرانی‌ها دربارهٔ مرگ جوامع محلی، به دوره‌های پیشین بازمی‌گردد و علی‌رغم نگرانی‌های رایج دربارهٔ انزوای اجتماعی ناشی از فناوری، جوامع محلی نَه‌تنها از بین نرفته‌اند، بلکه به شکل‌های جدیدی درحال‌ظهور هستند. این دو پژوهش‌گر بر اساس یافته‌های این پژوهش ادعا می‌کنند که روابط اجتماعی از شکل سنتی (مبتنی بر مکان) به روابط شبکه‌ای (مبتنی بر علایق و ارتباطات شخصی) تغییر کرده‌اند و در واقع فناوری‌های دیجیتال این امکان را فراهم کرده‌اند که افراد بتوانند هم‌زمان با حفظ روابط محلی، ارتباطات فرامحلی نیز داشته باشند. این پژوهش نشان داد که روابط اجتماعی شهروندان از طریق ترکیبی از تعاملات آفلاین و آنلاین حفظ می‌شوند و برخلاف تصور رایج، استفاده از فناوری‌های دیجیتال، لزوماً منجر به کاهش تعاملات آفلاین نمی‌شود. نویسندگان این تحقیق با مطرح‌کردن مفهوم

---

۱. به‌عنوان مثال، صفحه‌ای که به معرفی جاذبه‌های گردشگری شهر تهران اختصاص دارد به‌عنوان صفحه محلی در نظر گرفته نمی‌شود؛ اما صفحه‌ای که به‌عنوان مثال به انتشار اخبار و رویدادهای شهرک اکباتان اختصاص دارد، به‌عنوان صفحه محلی در نظر گرفته شده است.

2. Hampton & Wellman

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

«جامعهٔ شبکه‌ای» این ایده را مطرح می‌کنند که افراد می‌توانند به‌طور هم‌زمان در چندین شبکهٔ اجتماعی (هم محلی و هم فرامحلی) مشارکت داشته باشند. این شکل جدید از جامعه، انعطاف‌پذیری بیش‌تری در برقراری و حفظ روابط اجتماعی ایجاد کرده است و بنابراین برای فهم بهتر منطق موقعیت شهروندان در شبکه‌های محلی، لازم است که به‌طور توأمان، ارتباطات محلی و ملی مورد توجه و مطالعه قرار بگیرند.

برخلاف نتیجه‌گیری همپتون و ولمن، بعضی از پژوهش‌گران نگاه بدبینانه‌ای نسبت به تأثیر فناوری‌های ارتباطی جدید بر تعاملات اجتماعی آفلاین شهروندان دارند. به‌عنوان مثال، اشتریان و امیرزاده (۱۳۹۴) در پژوهشی که دربارهٔ تأثیر شبکه‌های اجتماعی آنلاین بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی انجام داده‌اند، با اتکا بر نتایج پیمایشی با حجم نمونه ۳۸۴ نفر در شهر تهران، به این ادعا رسیده‌اند که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی شهروندان رابطهٔ منفی وجود دارد. در چنین پژوهش‌هایی، با توجه به روش به‌کارگیری‌شده، اظهارات پاسخگویان مبنای استنتاج قرار می‌گیرد و با توجه به محدودیت روش، امکان مشاهدهٔ رفتارهای واقعی‌تر شهروندان وجود ندارد. اما فارغ از این محدودیت‌های روش‌شناختی، مشکل دیگری که در این پژوهش مشهود است، یکسان‌انگاشتن رابطهٔ همبستگی و رابطهٔ علّی است. نویسندگان این مقاله معتقدند برخلاف نتایج به‌دست‌آمده در غرب که حاکی از تأثیر مثبت شبکه‌های اجتماعی آنلاین بر افزایش مشارکت سیاسی هستند، در نتایج تحقیقات داخلی، رابطهٔ عضویت در شبکه‌های اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی، منفی و معنادار است. به‌نظر می‌رسد در چنین استنتاجی، نقش سایر متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی نادیده گرفته شده و همبستگی معنادار میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی، الزاماً به‌معنای رابطهٔ علّی میان این دو متغیر در نظر گرفته شده است.

یکی از پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر درخصوص به‌حاشیه‌رانده‌شدگان در استان تهران انجام شده است مربوط به پایان‌نامهٔ دکترای مارال لطیفی (۱۴۰۳) است. در این پژوهش، لطیفی علاوه‌بر انجام بررسی‌های اسنادی و نیز مشاهدهٔ غیرسیستماتیک، با انجام مصاحبه‌هایی عمیق با کسانی که تجربهٔ تنزل طبقاتی داشته‌اند، بر بخش‌های کم‌تردیده‌شده‌ای از رنج‌های اجتماعی این بخش از جامعه نور می‌تاباند. یکی از نتایج مهم این پژوهش، به‌چالش‌کشیدن روایت جذاب و بدیهی‌انگارانهٔ آصف بیات از شکل‌گیری پیوند بین تهی‌دستان و طبقهٔ متوسط و نقش آن در اعتراضات سال‌های اخیر است (بیات، ۱۳۹۸). لطیفی با استناد با یافته‌های پژوهش خود، معتقد است افرادی که دچار تنزل طبقاتی شده و به مناطق حاشیه‌ای نقل مکان می‌کنند، تا مدت‌ها سکونت خود در مکان جدید را موقت می‌پندارند و از انتساب خود به آن‌جا شرمگین‌اند و با ساکنان قبلی آن مناطق فاصله‌گذاری می‌کنند و از طرفی نیز از شبکهٔ دوستان و اقوام نیز بیرون می‌افتند و در نتیجه، دچار انزوای اجتماعی و سیاسی می‌شوند.

اگر بر اساس تعاریف گرانووتر از پیوندهای ضعیف و قوی بر روی این استدلال مکث کنیم، می‌توانیم بگوییم که استدلال لطیفی به‌طور توأمان ناظر بر متغیرهایی از جنس پیوندهای ضعیف (فاصله‌گذاری و تمایزیابی نسبت به ساکنان قبلی) و پیوندهای قوی (بیرون‌افتادن از شبکهٔ دوستان و اقوام) است. اما پژوهش لطیفی به‌لحاظ روش‌شناختی دچار دو نوع محدودیت است که می‌تواند استحکام و تعمیم‌پذیری ادعای پایانی‌اش را خدشه‌پذیر کند. محدودیت اول این است که روش به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش عمدتاً معطوف بر آن چیزهایی است که مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کنند و نَه الزاماً آن‌چه آن‌ها رفتار می‌کنند. در نتیجه، بر اساس این روش نمی‌توان به سرنخ‌های جدی‌ای از پیوندهای اجتماعیِ آنلاین و آفلاینی که افراد واقعاً دارند دست یافت. محدودیت دوم نیز آن است که یافته‌های پژوهش‌های کیفی، با وجود این‌که می‌توانند ما را با فهم عمیق‌تری از واقعیت‌ها آشنا کنند، ماهیتاً در

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

رسیدن به نتایجِ تعمیم‌پذیر، توانایی کم‌تری دارند. در نتیجه نمی‌توان «اتمیزه‌شدن و تنهایی و انزوا» را سرنوشت محتوم و تعمیم‌پذیری برای این افرادِ به‌حاشیه‌رانده‌شده دانست.

با توجه به یافته‌های متناقض موجود در ادبیات موضوع و محدودیت‌های روش‌شناختی مطالعات پیشین، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی ترکیبی، از روش‌های مکملی بهره بُرده است تا به فهم عمیق‌تری از شبکه‌های اجتماعیِ آنلاین و آفلاینی که چه به‌صورت محلی و چه به‌صورت فرامحلی (ملی یا جهانی) این افراد را دربرگرفته‌اند دست پیدا کند.

روش‌شناسی

برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز تحقیق، صفحات پُرمخاطب محلی در اینستاگرام را با روش «رَدیابی پیوندها»[1] شناسایی کردیم. در این روش، می‌توانیم همسایه‌های گره‌های قبلاً انتخاب‌شده را مشاهده کرده و دربارهٔ گره‌هایی که در ادامه لازم است مورد مشاهده قرار بگیرند تصمیم بگیریم (صالحی و همکاران، ۲۰۱۲). در بعضی از پژوهش‌ها، این روش را به‌عنوان نمونه‌گیری گلوله‌برفی[2] معرفی کرده‌اند (استیوالا[3] و همکاران، ۲۰۱۶)، اما برای جلوگیری از ابهام میان روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی به‌عنوان یک روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و استفاده از آن به‌عنوان یک روش نمونه‌گیری برای مطالعهٔ شبکه‌های اجتماعی، در سال‌های اخیر اصطلاح گلوله‌برفی با اصطلاح رَدیابی پیوندها جایگزین شده است. البته در بعضی از متون، علاوه بر روش گلوله‌برفی، روش‌های دیگری را نیز ذیل عنوان کلی روش رَدیابی پیوندها قرار می‌دهند، ازجمله روش جستجوی اول سطح[4] و روش جستجوی اول عمق[5] (آریکجیسری[6]، ۲۰۱۹). اما به‌طور کلی، در این پژوهش با استفاده از روش رَدیابی پیوندها با رویکرد گلوله‌برفی، ابتدا اطلاعات تعدادی از صفحات محلی پُرمخاطب در اینستاگرام را در لیست‌مان ثبت کردیم. سپس به لیست دنبال‌شوندگان آن‌ها مراجعه کرده و نام صفحه‌هایی که دارای بیش از هزار نفر دنبال‌کننده‌اند، به لیست‌مان اضافه شدند. این کار را از طریق انواع مختلف صفحات پُرمخاطب محلی تا حد اشباع ادامه دادیم. این روش‌ها را تا جایی ادامه دادیم که مطمئن شویم اطلاعات تمام صفحات پُرمخاطب محلی اینستاگرامی در استان تهران را جمع‌آوری کرده‌ایم. سپس با مراجعه به تک‌تک این صفحات، ویژگی‌هایشان را در لیست‌مان ثبت کرده‌ایم. اطلاعاتی که در این مرحله جمع‌آوری شدند عبارت‌اند از: تعداد دنبال‌کننده، محتوای صفحه، جنسیت، گرایش سیاسی، موقعیت جغرافیایی.

جمع‌آوری کلان‌داده‌ها با استفاده از کراولرهای متصل به API اینستاگرام شده است. برای یکدست‌سازی و پیش‌پردازش کلان‌داده‌ها نیز از بستر کولب[7] و زبان برنامه‌نویسی پایتون[8] استفاده کرده و تحلیل داده‌های شبکه‌ای را نیز با نرم‌افزار تخصصی گفی[9] انجام داده‌ایم. نهایتاً شناسایی میدان‌های محلی را با روش اجتماع‌یابی[10] و بر اساس الگوریتم لووین[11] انجام داده‌ایم. لازم به توضیح است با توجه به این‌که خاستگاه روش اجتماع‌یابی در علوم داده است و نَه علوم اجتماعی، این عنوان باید با همان منطق علوم داده به‌کار گرفته شود.

1. Link Tracing
2. Snowball Sampling
3. Stivala
4. Breadth-First Search
5. Depth-First Search
6. Areekijseree
7. Google Colaboratory (Colab)
8. Python
9. Gephi
10. Community Detection
11. Louvain Algorithm

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

روش اجتماع‌یابی بر اساس الگوریتم لووین یکی از الگوریتم‌های شناخته‌شده و کارآمد برای شناسایی اجتماع‌ها (میدان‌ها) در گراف‌ها است که در سال ۲۰۰۸ توسط وینسنت بلوندل و همکارانش معرفی شده است. این الگوریتم برای بهینه‌سازی معیار ماژولاریتی[1] طراحی شده و توانایی تجزیهٔ گراف‌های بزرگ به اجتماعات با کیفیت بالا را دارد. ماژولاریتی معیاری است که کیفیت تقسیم‌بندی یک گراف را به اجتماعات، با توجه به تراکم یال‌ها در داخل اجتماعات و کمبود یال‌ها بین آن‌ها ارزیابی می‌کند (بلوندل[2] و همکاران، ۲۰۰۸).

یافته‌ها

از مجموع ۱۱ هزار و ۵۱۵ صفحهٔ پُرمخاطب محلی در استان تهران، ۶۳ درصدشان به کسب‌وکارهای محلی تعلق دارند و صفحات مذهبی، رسانه‌های محلی و صفحات حاکمیتی به‌ترتیب با ۸، ۶ و ۵% در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

1. Modularity
2. Blondel

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

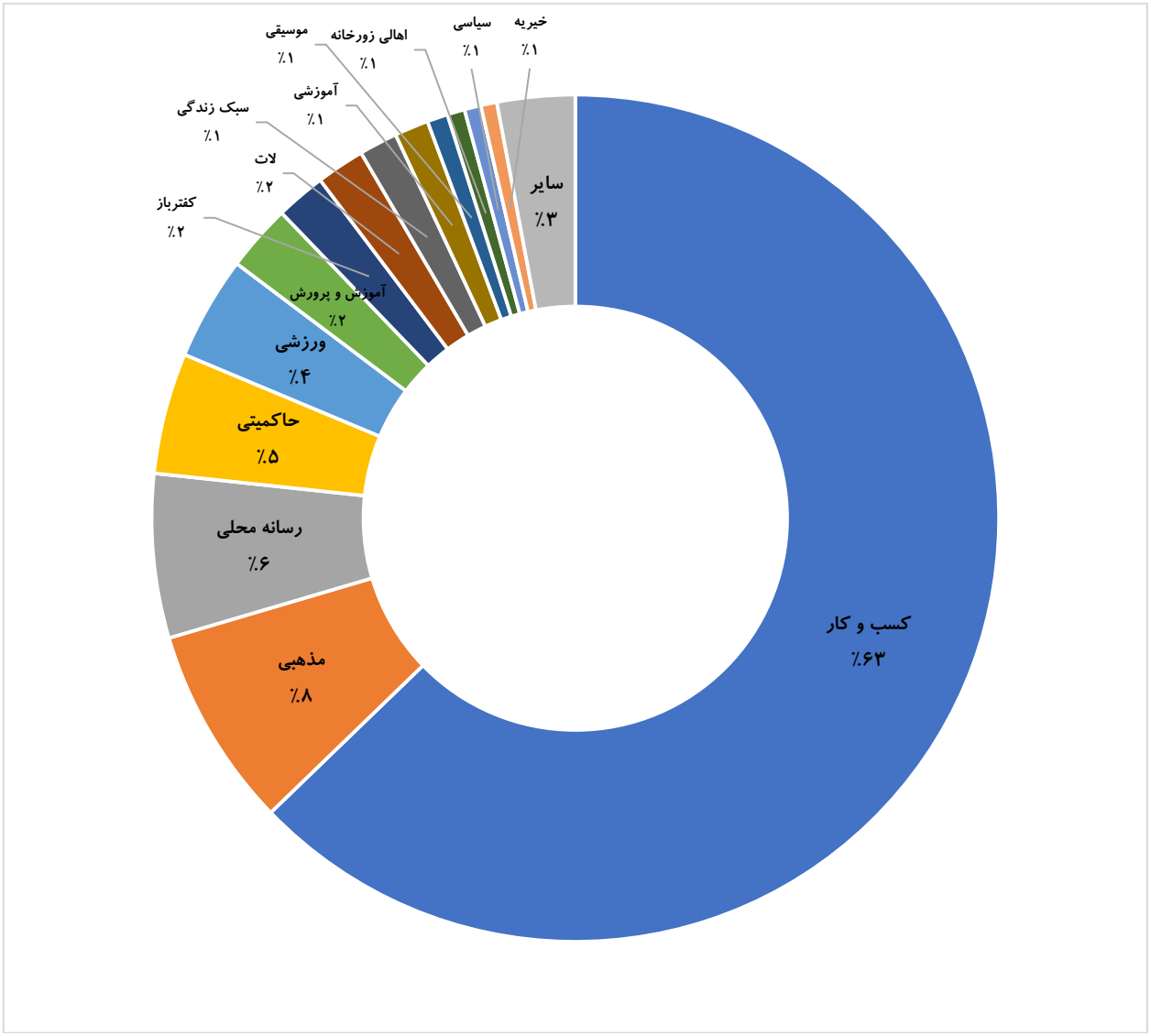

شکل شمارهٔ ۲: توزیع محتوایی صفحات پُرمخاطب محلی در استان تهران

همین‌طورکه در نقشهٔ شکل ۳ مشاهده می‌شود، علاوه‌بر شهرستان‌هایی مانند ورامین و دماوند که به‌طور تاریخی و تا حدودی مستقل از تهران، دارای میدان‌های محلی قدرتمندی‌اند، شهرستان‌هایی مانند پاکدشت، اسلامشهر، قرچک و... نیز که در مجاورت شهرستان تهران قرار گرفته و به‌تدریج وابستگی اقتصادی بیش‌تری به مرکز پیدا کرده‌اند، سهم چشم‌گیری از صفحه‌های پُرمخاطب محلی را به خود اختصاص داده‌اند. پایین‌بودن سهم شهرستان پردیس به‌دلیل تازه‌تأسیس‌بودن این شهرستان است و پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی این شهرستان سهم به‌مراتب بیش‌تری از صفحات محلی پیدا کند. اما شهرستان‌های فیروزکوه و ملارد که هیچ‌کدام از ویژگی‌های فوق‌الذکر را ندارند، علی‌رغم وسعت بالایشان، کم‌ترین سهم را از صفحات پُرمخاطب محلی به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

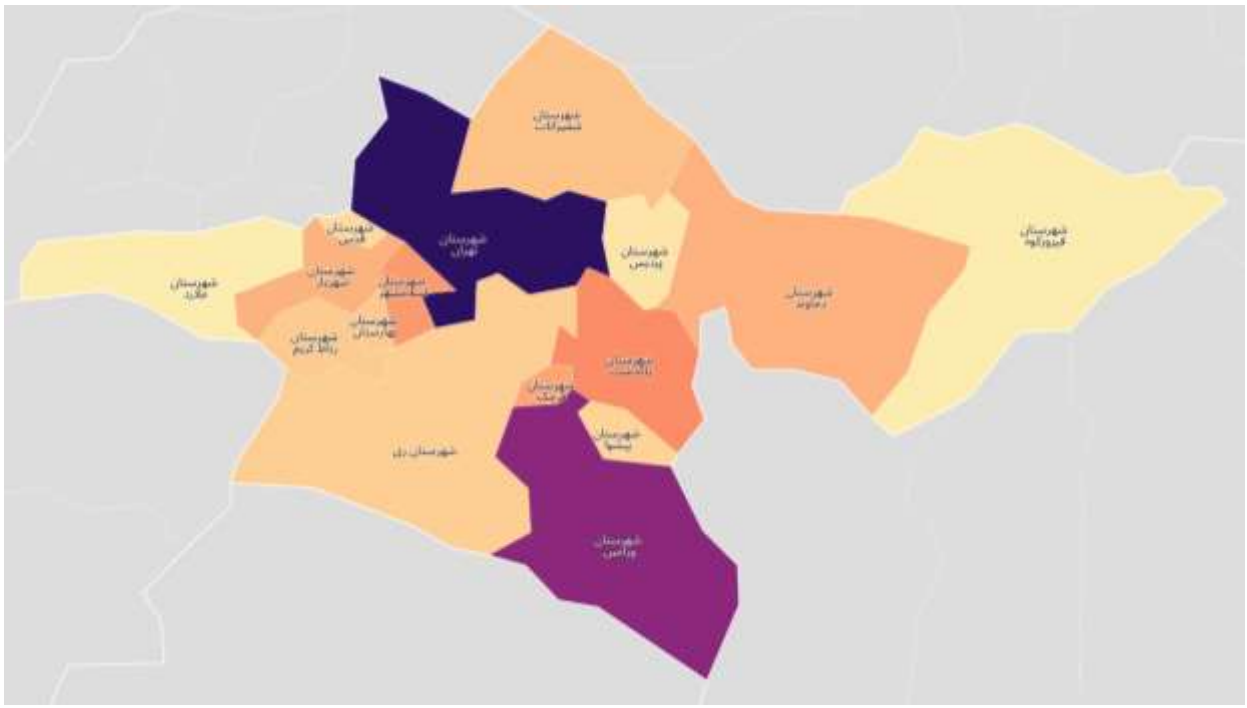

شکل شمارهٔ ۳: نقشه توزیع جغرافیایی صفحات پُرمخاطب محلی در استان تهران

نمودار شکل ۴ نشان می‌دهد که توزیع جنسیتی صاحبان کسب‌وکارهای محلیِ شخصی در شهرستان‌های مختلف استان تهران، توزیع بسیار نامتوازنی دارد. در شهرستان‌هایی که طی سال‌های گذشته در آنها شهرک‌های جدید ساخته شده و مهاجرپذیرتر بوده‌اند (قرچک، پاکدشت، رباط کریم، اسلامشهر و پردیس) سهم زنان از کسب‌وکارهای اینستاگرامی شخصی بین ۸۴ تا ۹۴ درصد است؛ در حالی که این نسبت در شهرستان‌هایی که بافت سنتی‌تری داشته و وابستگی کم‌تری نیز به مرکز دارند (قدس، ملارد، پیشوا و فیروزکوه) این نسبت بین ۳۲ تا ۴۴ درصد است.

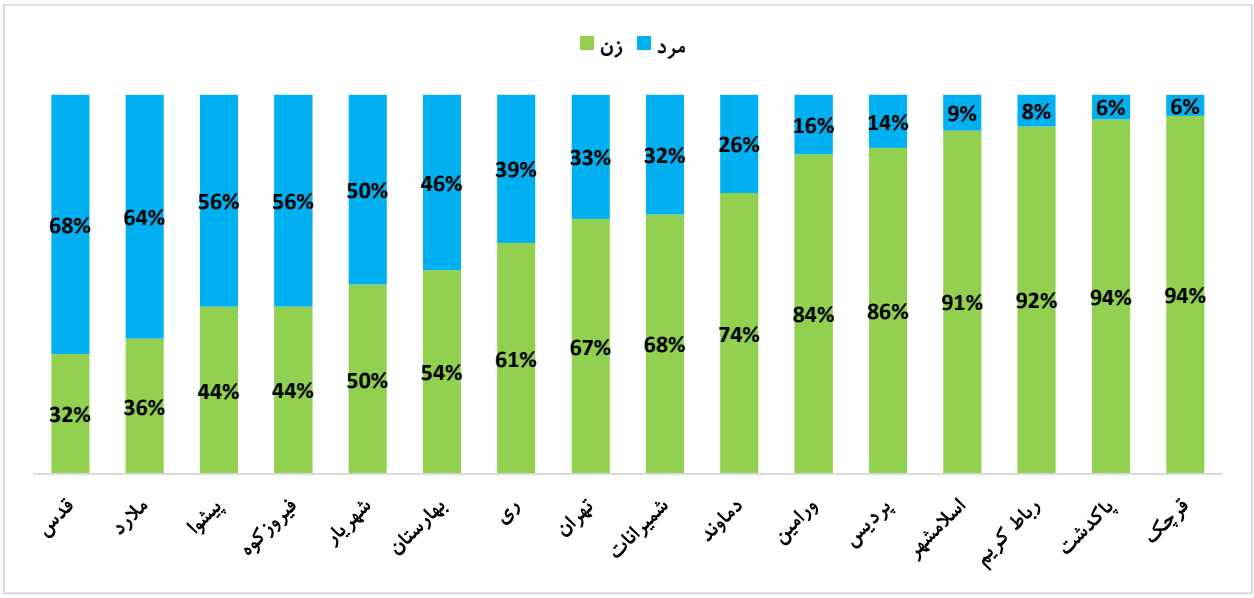

شکل شمارهٔ ۴: توزیع جنسیتی کسب و کارهای محلیِ شخصی به تفکیک شهرستان

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

این توزیع نامتوازن در نقشه شکل ۵ نمایش جغرافیایی روشن‌تری دارد. در بخش‌هایی که به رنگ سبز متمایل‌تر است، سهم زنان از کسب‌وکارهای محلیِ شخصی بیش‌تر بوده و جاهایی که به رنگ آبی متمایل‌تر است، سهم مردان بیش‌تر است.

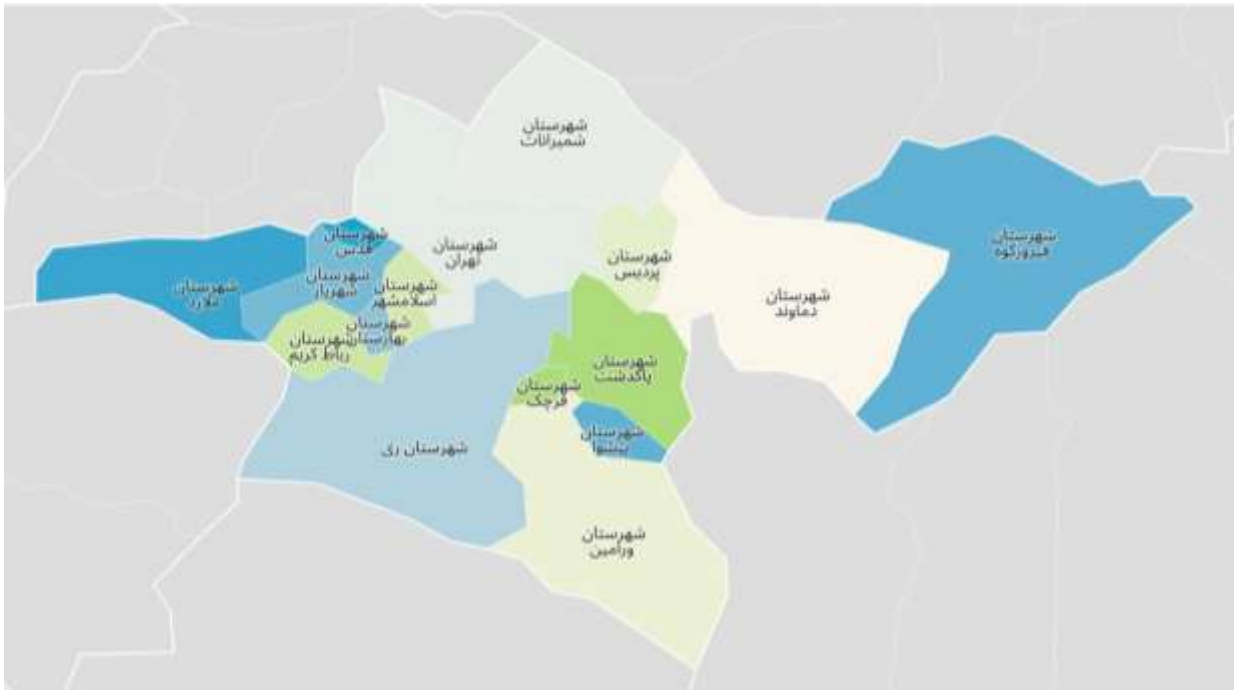

شکل شمارهٔ ۵: نقشهٔ توزیع جنسیتی کسب و کارهای محلیِ شخصی به تفکیک شهرستان

بر اساس نقشهٔ شکل ۶ و یافته‌های پیشین، مناطقی از استان که در سال‌های اخیر نرخ رشد جمعیت بیش‌تری داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲) و عمدتاً به‌دلیل ساخت شهرک‌های جدید مهاجرپذیرتر بوده‌اند، تا حد زیادی منطبق بر همان مناطقی‌اند که در آن‌ها سهم زنان از کسب‌وکارهای محلیِ شخصی بیش‌تر است. به بیان دیگر، به‌نظر می‌رسد مناطقی که در سال‌های گذشته در آن ها شهرک‌سازی بیش‌تری انجام شده و افزایش جمعیت بیش‌تری داشته‌اند، فضای مناسب‌تری برای زنان برای داشتن کسب‌وکارهای محلیِ آنلاین بوده‌اند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

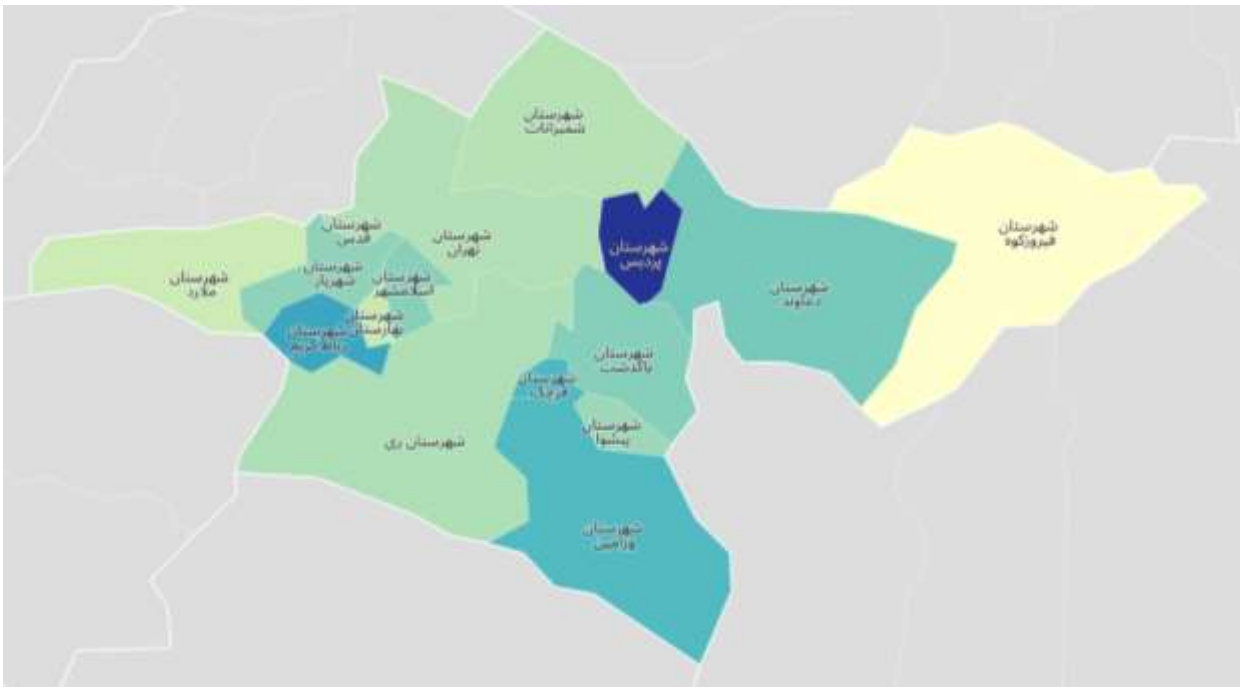

شکل شمارهٔ ۶: نقشه نرخ رشد جمعیت در شهرستان‌های استان تهران

در شکل ۷، شبکهٔ روابط مابین ۱۱ هزار و ۵۱۵ صفحهٔ پُرمخاطب محلی در استان تهران و نیز شبکهٔ روابط مابین این صفحه‌ها با ۴ هزار و ۲۴۳ صفحهٔ پُرمخاطب ملی نشان داده می‌شود. تخصیص رنگ‌ها به این گراف بر اساس نتایج روش اجتماع‌یابی با الگوریتم لووین و توسط نرم‌افزار گفی انجام شده است. بر اساس این نتایج، ۴۸% از صفحات محلی و ملی این گراف در یکی از سه میدان زنان شاغل (غرب، شرق و جنوب شرق استان) قرار گرفته‌اند. لازم به توضیح است که قرارگرفتن هر صفحه در هر کدام از این میدان‌ها (یا اجتماع‌ها) به این معناست که آن صفحه، پیوند نسبتاً قوی‌تری با آن میدان در مقایسه با سایر میدان‌ها دارد. ۲۴% از صفحه‌ها نیز در میدان سلبریتی‌ها قرار گرفته‌اند. علت این نام‌گذاری برای این میدان این است که صفحات مرجع در این میدان (بر اساس شاخص مرجعیت[1]) متعلق به سلبریتی‌ها بوده و در واقع، قطب‌های مسلّط در این میدان‌ها نیروهای محلی نیستند. محافظه‌کاران، مرکزنشین‌ها، لات‌ها، ترک‌زبان‌ها و کفتربازها نیز به‌ترتیب با ۱۵، ۶، ۳، ۲ و ۲% در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

نکتهٔ حائز اهمیت برای فهم بهتر این گراف این است که میزان فاصلهٔ هر کدام از این میدان‌ها از همدیگر، تابعی از میزان درهم‌تنیدگی این میدان‌ها با هم است. به‌عنوان مثال، میدان ترک‌زبان‌ها به‌علت این‌که در غرب استان تهران، شبکه‌سازی‌های قوی‌تر و منسجم‌تری دارند، ارتباط محکم‌تری با محافظه‌کاران غرب استان دارند و از این جهت، قابل‌حدس است که منافع مشترک‌تری نیز با هم داشته باشند.

1. Authority

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

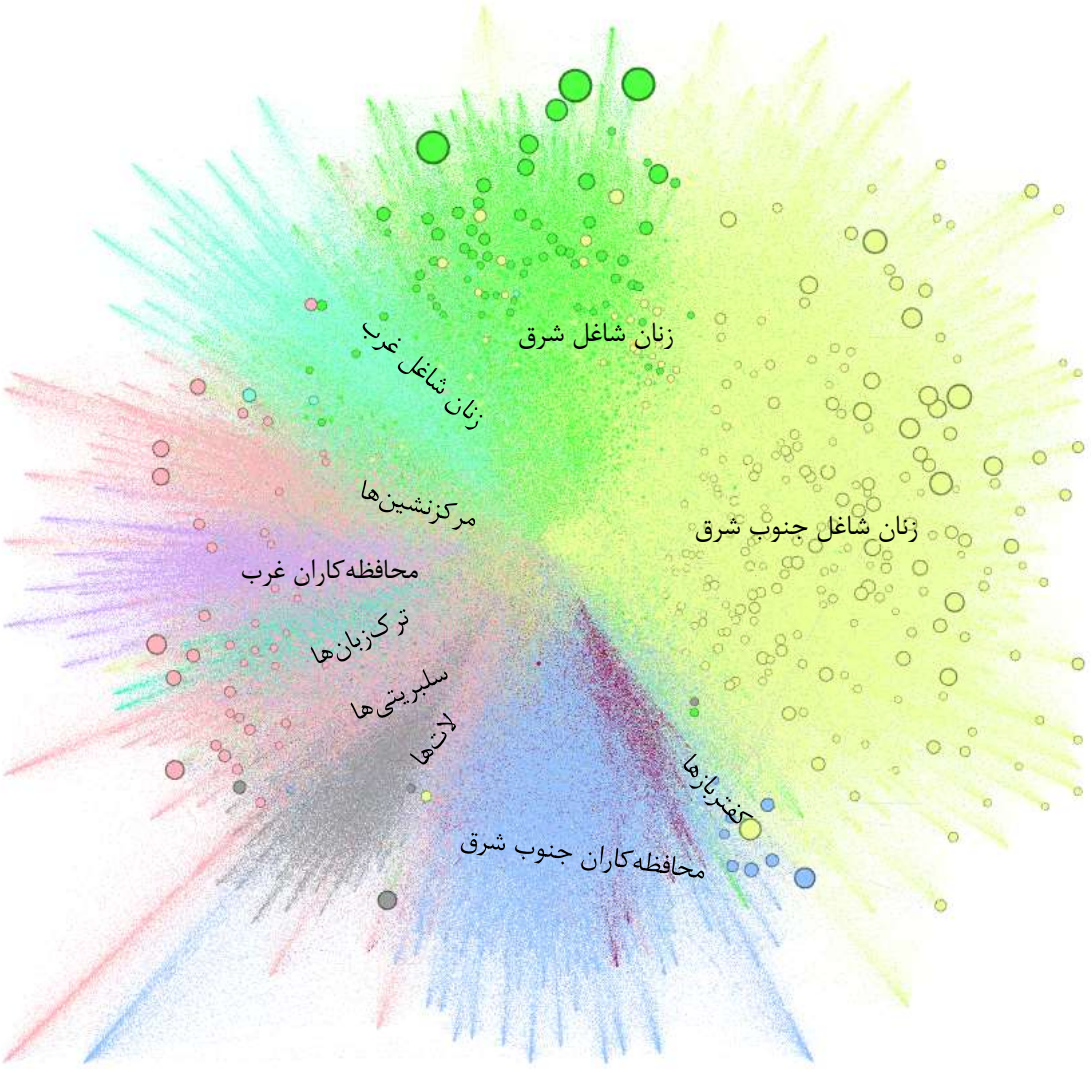

شکل شمارهٔ ۷: میدان‌های محلی آنلاین بر اساس روش اجتماع‌یابی با الگوریتم لووین در شبکهٔ روابط مابین صفحه‌های پُرمخاطب محلی استان تهران و نیز شبکهٔ روابط این صفحه‌های محلی با صفحه‌های پُرمخاطب ملی

در جدول شمارهٔ ۱، توزیع میدان‌های محلی شناسایی‌شده به تفکیک جنسیت، موقعیت جغرافیایی و محتوا قابل‌مشاهده است. به‌جز میدان زنان شاغل، در سایر میدان‌ها سهم مردان از صفحات پُرمخاطب محلی بیش‌تر از زنان است. با توجه به توزیع محتوایی این میدان‌های محلی آنلاین می‌توان گفت زنان تنها به‌واسطهٔ کسب‌وکارهای آنلاین توانسته‌اند در مناطق مختلف استان تهران مرجعیت محلی پیدا کنند. همچنین برخلاف میدان‌های محلی سلبریتی‌ها، محافظه‌کاران، مرکزنشین‌ها و ترک‌زبان‌ها که بر اساس ترکیبی از گروه‌های مختلف اعم از کسب‌وکارها، هیأت‌های مذهبی، مداحان، روحانیون، رسانه‌های محلی، سازمان‌های حاکمیتی، ورزشکاران و... شکل گرفته‌اند، میدان‌های محلی‌ای که توسط زنان شاغل، کفتربازها و لات‌ها شکل گرفته‌اند، تنوع بسیار پایینی دارند؛ به‌طوری‌که ۸۸% از صفحاتی که در میدان زنان شاغل قرار گرفته‌اند مربوط به کسب‌وکارها هستند، ۹۲% از صفحات میدان کفتربازها متعلق به خود کفتربازهاست و میدان محلی لات‌ها نیز به‌ترتیب ۷۱ و ۲۲% به کسب‌وکارها و لات‌ها تعلق دارد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

جدول شمارهٔ ۱: توزیع میدان‌های محلی به تفکیک جنسیت، موقعیت جغرافیایی و محتوا

		میدان محلی (%)							مجموع
		سلبریتی‌ها	محافظه‌کاران	زنان شاغل	مرکزنشین‌ها	ترک‌زبانه‌ا	کفتربازها	لاته‌ا	
جنسیت	زن	۱۴	۷	۹۵	۳۸	۶	۲	۱	۵۸
	مرد	۸۶	۹۳	۵	۶۲	۹۴	۹۸	۹۹	۴۲
شهرستان	تهران	۳۷	۲	۱۸	۶۴	۶	۲۴	۵۸	۲۴
	ورامین	۲	۳۹	۲۲	۰	۰	۲۷	۱	۱۸
	پاکدشت	۱	۱	۱۵	۰	۰	۱	۰	۸
	اسلامشهر	۱	۰	۱۲	۰	۱	۴	۱۲	۷
	قرچک	۰	۶	۱۰	۰	۰	۱	۲	۶
	دماوند	۲۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۶
	شهریار	۱	۲۷	۱	۰	۴	۱۲	۵	۵
	شمیرانات	۱۲	۰	۲	۱۰	۰	۹	۰	۴
	بهارستان	۰	۰	۲	۰	۸۷	۱	۹	۴
	رباط کریم	۰	۰	۷	۰	۱	۱	۲	۴
	ری	۳	۱	۱	۲۴	۰	۱۴	۹	۳
	پیشوا	۱	۱۶	۱	۰	۰	۵	۰	۳
	قدس	۱۳	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۳
	پردیس	۱	۰	۳	۰	۰	۱	۰	۲
	ملارد	۱	۷	۰	۰	۰	۱	۰	۱
	فیروزکوه	۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
محتوا	کسب و کار	۴۲	۲۷	۸۸	۲۶	۲۵	۵	۷۱	۶۳
	مذهبی	۲۳	۱۹	۰	۲	۲۶	۰	۱	۸
	رسانهٔ محلی	۷	۱۴	۳	۱۲	۹	۰	۲	۶
	حاکمیتی	۳	۹	۰	۳۱	۱۱	۰	۰	۵
	ورزشی	۷	۱۱	۱	۲	۱۴	۱	۱	۴
	آموزش و پرورش	۲	۲	۰	۲۳	۲	۰	۰	۲
	کفترباز	۰	۰	۰	۰	۰	۹۲	۰	۲
	لات	۱	۴	۰	۰	۴	۲	۲۲	۲
	سبک زندگی	۱	۱	۲	۰	۴	۰	۱	۱
	آموزشی	۱	۰	۲	۱	۰	۰	۰	۱
	موسیقی	۱	۲	۰	۰	۱	۰	۰	۱
	اهالی زورخانه	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

	سیاسی	۱	۲	۰	۱	۱	۰	۰	۱
	خیریه	۳	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱
	سایر	٤	۸	٤	۱	۲	۰	۱	۲

حالا که به ذهنیت نسبتاً روشنی از تشکیل‌دهندگان هر کدام از این میدان‌های محلی آنلاین رسیدیم، لازم است تا پیوندهای این صفحات پُرمخاطب محلی را با صفحات پُرمخاطب ملی نیز مورد توجه قرار دهیم. اعداد داخل جدول شمارهٔ ۲ نمایان‌گر میزان مرجعیت هر کدام از گروه‌های مختلف از صفحات پُرمخاطب ملی در بین صفحات پُرمخاطب محلی است. زنان شاغل علی‌رغم احتیاط‌هایی که در ابراز مستقیم نگرش‌های سیاسی‌شان دارند، عمدتاً با جریان‌های سیاسی تغییرخواه (به‌خصوص تحول‌خواهان) همسویی دارند و به‌لحاظ محتوایی نیز بیش‌تر صفحات آموزشی را دنبال می‌کنند. علت مرجعیت بالای صفحه‌های پُرمخاطب آموزشی در بین میدان محلی زنان شاغل این است که بیش‌تر این صفحات آموزشی، اصول و تکنیک‌های لازم برای موفقیت در کسب‌وکارهای آنلاین را آموزش می‌دهند. در سویی دیگر، محافظه‌کاران علاوه‌بر هم‌سوییِ قابل‌انتظارشان با صفحات پُرمخاطب اصولگرا، به‌لحاظ محتوایی بیش‌تر تحت مرجعیت صفحات پُرمخاطب مذهبی قرار دارند.

جدول شمارهٔ ۲: میزان مرجعیت صفحات پُرمخاطب ملی در بین میدان‌های محلی آنلاین بر اساس شاخص مرجعیت

			میدان‌های محلی						
			ترک‌زبانه ا	زنان شاغل	سلبریتی	کفتربازها	لات‌ها	محافظه‌کارا ن	مرکزنشین‌ه ا
صفحات پُرمخاطب ملی	گرایش سیاسی	اصولگرا	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰
		اصلاح‌طلب	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۲۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰
		تحول‌خواه	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۱۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
		برانداز	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۱۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰
	محتوا	سینمایی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۱۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
		آموزشی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
		عمومی	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۱۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱
		سبک زندگی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
		موسیقی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰
		سیاسی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۱۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰
		کسب‌وکار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
		مد و زیبایی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
		احساسی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰
		ورزشی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰
		مذهبی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰
		طنز و سرگرمی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
		کفترباز	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۷۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

		لات	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۰	۰٫۰۰۳	۰٫۰۰۳	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۳	۰٫۰۰۰
	جنسیت	زن	۰٫۰۰۰	۰٫۰۰۷	۰٫۰۰۴	۰٫۰۰۰	۰٫۰۰۰	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۰
		مرد	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۴	۰٫۰۱۰	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۵	۰٫۰۰۰
		غیرشخصی	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۵	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۰

در جدول شمارهٔ ۳، برای این‌که به شناخت بهتری از منطق سوگیری‌های سیاسی در میدان‌های محلی مختلف برسیم، میزان مرجعیت بعضی از سلبریتی-کنش‌گرهای شاخص را در بین این میدان‌های محلی با هم مقایسه کرده‌ایم. علی دایی با فاصله معناداری نسبت به سایرین، بیش‌ترین مرجعیت را در میدان محلی ترک‌زبان‌ها دارد. نکتهٔ حائز اهمیت این است که علی کریمی، گلشیفته فراهانی و شروین حاجی‌پور که در بین سلبریتی-کنش‌گرها اصلی‌ترین چهره‌های حامی جنبش زن زندگی آزادی بوده‌اند، به‌طور معناداری در میدان زنانِ شاغل، مرجعیت بیش‌تری دارند.

جدول شمارهٔ ۳: میزان مرجعیت بعضی از سلبریتی-کنش‌گرها در بین میدان‌های محلی آنلاین بر اساس شاخص مرجعیت

	میدان‌های محلی						
سلبریتی-کنش‌گر	**ترک‌زبان‌ها**	**زنان شاغل**	**سلبریتی**	**کفتربازها**	**لات‌ها**	**محافظه‌کاران**	**مرکزنشین‌ها**
علی دایی	۰٫۰۵۸	۰٫۰۲۷	۰٫۱۰۶	۰٫۰۲۳	۰٫۰۴۲	۰٫۰۶۱	۰٫۰۰۰۱
علی کریمی	۰٫۰۲۸	۰٫۰۳۷	۰٫۰۸۸	۰٫۰۲۵	۰٫۰۳۱	۰٫۰۴۰	۰٫۰۰۰۱
نوید محمدزاده	۰٫۰۱۰	۰٫۰۲۴	۰٫۰۶۱	۰٫۰۱۳	۰٫۰۱۵	۰٫۰۲۶	۰٫۰۰۰۰
پرویز پرستویی	۰٫۰۱۵	۰٫۰۰۸	۰٫۰۷۶	۰٫۰۱۴	۰٫۰۰۳	۰٫۰۳۲	۰٫۰۰۰۳
ابی	۰٫۰۰۹	۰٫۰۲۱	۰٫۰۶۱	۰٫۰۱۷	۰٫۰۱۱	۰٫۰۲۰	۰٫۰۰۰۱
گلشیفته فراهانی	۰٫۰۰۶	۰٫۰۳۷	۰٫۰۶۰	۰٫۰۱۵	۰٫۰۰۸	۰٫۰۱۱	۰٫۰۰۰۰
سینا ولی‌الله	۰٫۰۰۴	۰٫۰۱۹	۰٫۰۵۳	۰٫۰۱۹	۰٫۰۰۶	۰٫۰۱۲	۰٫۰۰۰۰
همایون شجریان	۰٫۰۰۴	۰٫۰۱۰	۰٫۰۷۲	۰٫۰۰۶	۰٫۰۰۰	۰٫۰۱۸	۰٫۰۰۰۳
بهروز وثوقی	۰٫۰۰۵	۰٫۰۰۴	۰٫۰۵۰	۰٫۰۱۳	۰٫۰۱۰	۰٫۰۱۶	۰٫۰۰۰۰
عادل فردوسی‌پور	۰٫۰۰۹	۰٫۰۰۲	۰٫۰۶۱	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۵	۰٫۰۲۰	۰٫۰۰۰۱
مهناز افشار	۰٫۰۰۵	۰٫۰۱۸	۰٫۰۴۹	۰٫۰۰۸	۰٫۰۰۴	۰٫۰۱۳	۰٫۰۰۰۰
رسول خادم	۰٫۰۱۶	۰٫۰۰۱	۰٫۰۴۱	۰٫۰۰۵	۰٫۰۱۶	۰٫۰۱۴	۰٫۰۰۰۰
یاس	۰٫۰۰۸	۰٫۰۱۲	۰٫۰۴۶	۰٫۰۰۳	۰٫۰۰۷	۰٫۰۱۲	۰٫۰۰۰۰
وریا غفوری	۰٫۰۱۱	۰٫۰۰۷	۰٫۰۴۵	۰٫۰۰۵	۰٫۰۰۷	۰٫۰۱۲	۰٫۰۰۰۰
داریوش اقبالی	۰٫۰۰۶	۰٫۰۰۴	۰٫۰۴۷	۰٫۰۰۶	۰٫۰۱۱	۰٫۰۱۲	۰٫۰۰۰۰
شروین حاجی‌پور	۰٫۰۰۵	۰٫۰۳۴	۰٫۰۳۳	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۷	۰٫۰۰۰۰
گوگوش	۰٫۰۰۶	۰٫۰۱۸	۰٫۰۳۷	۰٫۰۱۱	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۸	۰٫۰۰۰۱
حمید فرخ‌نژاد	۰٫۰۰۴	۰٫۰۰۶	۰٫۰۳۴	۰٫۰۰۶	۰٫۰۰۶	۰٫۰۰۸	۰٫۰۰۰۰
اشکان خطیبی	۰٫۰۰۰	۰٫۰۱۰	۰٫۰۳۲	۰٫۰۰۰	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۴	۰٫۰۰۰۰
توماج صالحی	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۹	۰٫۰۱۴	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۵	۰٫۰۰۳	۰٫۰۰۰۰

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

در بخش پایانی تحلیل یافته‌ها، برای ارزیابی روند قدرت‌یابی زنان در شبکه‌های محلی آنلاین، روند تغییرات در تعداد کامنت‌های کاربران به تفکیک جنسیت صاحبان صفحه‌های پُرمخاطب محلی محاسبه و مورد بررسی قرار گرفته است. برای این کار، اطلاعات مربوط به ۶۵۸ هزار و ۹۰۲ پُست منتشرشده توسط صفحه‌های پُرمخاطب محلی در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ استخراج و تحلیل شده است. با توجه به این‌که بخش محدودی از این پست‌ها به‌دلیل جذابیت محتوا، از حلقهٔ مخاطبان محلی فراتر رفته و با اقبال فراگیرتری مواجه شده‌اند، توزیع تعداد کامنت‌ها دچار چولگی شده است. در نتیجه، برای چنین مقایسه‌ای از بین شاخص‌های گرایش مرکزی، شاخص میانه مناسب‌تر از شاخص میانگین است.

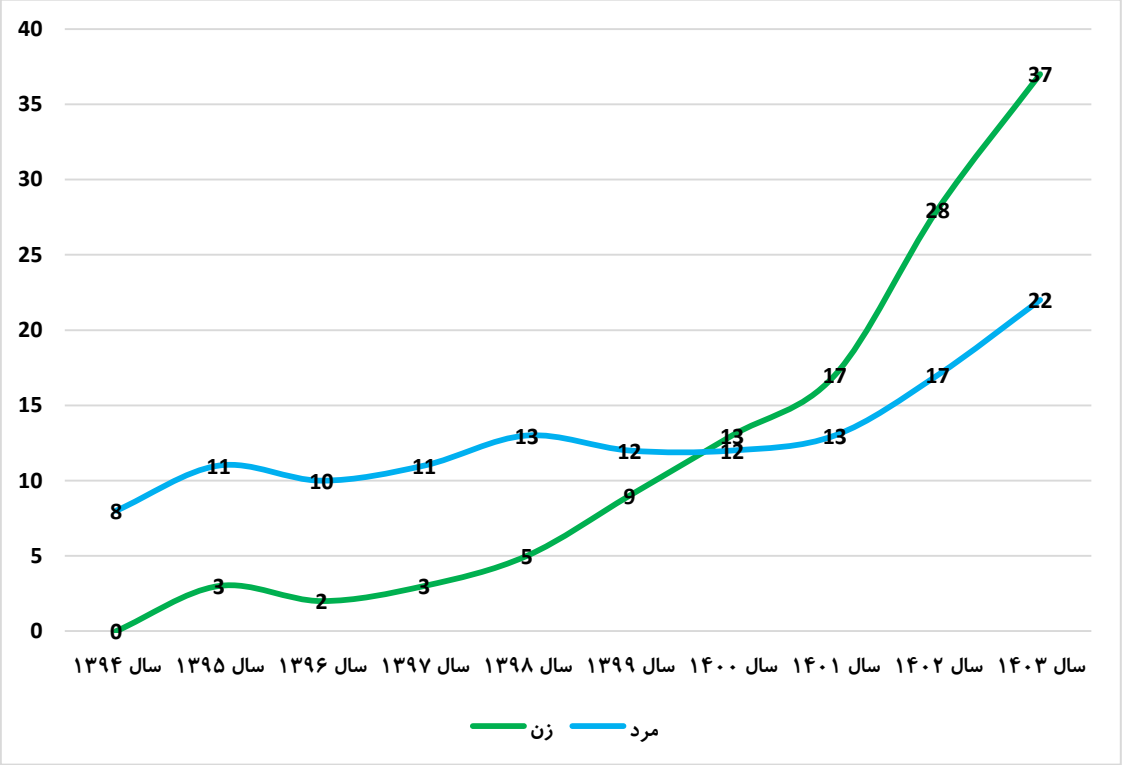

شکل شمارهٔ ۸: روند تغییرات در شاخص میانه برای تعداد کامنت‌های پست‌های اینستاگرامی صفحه‌های پُرمخاطب محلی به تفکیک جنسیت

همین‌طورکه در شکل شمارهٔ ۸ مشاهده می‌شود، در طی ده سال گذشته، اقبال مخاطبان محلی نسبت به زنان دارای صفحه‌های پُرمخاطب محلی، به‌طور چشم‌گیری افزایش بیش‌تری نسبت به مردان دارای صفحه‌های پُرمخاطب محلی داشته است. نکتهٔ حائز اهمیت این است که حدود دو سال قبل از ظهور جنبش زن زندگی آزادی این روند به نفع زنان تغییر کرده و تاکنون نیز با شیب قابل توجهی ادامه پیدا کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طورکه در ابتدا گفته شد، رسیدن به فهم عمیق‌تر دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری و پیکربندی میدان‌های محلی، مستلزم رفت وبرگشت مداوم میان فضای آنلاین و فضای آفلاین است. از این جهت، بهتر است بعد از مرور یافته‌های کمّی حاصل از داده‌کاوی کلان‌داده‌های اینستاگرام، تأملی نیز بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی شهرستان‌های مختلف استان تهران داشته باشیم.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

شهرستان‌های استان تهران را بر اساس الگوهای رشد می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: ۱. شهرستان‌هایی که پیشینهٔ تاریخی قابل‌اعتنایی دارند (مانند شمیرانات، ورامین، دماوند، فیروزکوه و پیشوا)، ۲. شهرستان‌هایی که در نتیجهٔ پیش‌روی‌های آرام سکونتگاه‌های غیررسمی شکل گرفته‌اند (مانند اسلامشهر، بهارستان و ملارد)، ۳. شهرستان‌هایی که به‌دلیل ساخت شهرک‌های جدید با رشد یک‌بارهٔ جمعیت مواجه شده‌اند (مانند پردیس و شهر جدید پرند در رباط کریم) و ۴. شهرستان‌هایی که بر اساس ترکیبی از سه الگوی مذکور شکل گرفته و رشد کرده‌اند (مانند ری، تهران، قرچک، شهریار، رباط کریم، پاکدشت و قدس). همچنین بر اساس میزان نزدیکی به مرکز استان نیز، این شهرستان‌ها وضعیت یکسانی ندارند. شهرستان‌هایی مانند فیروزکوه، پیشوا و ملارد به‌دلیل فاصلهٔ جغرافیایی قابل‌توجه تا مرکز استان، به‌لحاظ اقتصادی و اجتماعی، وابستگی چندانی به مرکز نداشته و نرخ رشد جمعیت بالایی نیز ندارند. در طرف مقابل، شهرستان‌هایی مانند قرچک، پاکدشت، پردیس و اسلامشهر به‌دلیل مجاورت با تهران، بسیار مهاجرپذیر بوده و به‌لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز وابستگی بالایی به مرکز دارند. با توجه به این زمینه‌های متفاوت و همان‌طورکه یافته‌های این پژوهش نیز نشان داده است، شبکه‌های محلی آنلاین و آفلاین متناسب با این‌که در کدام بخش از جغرافیایی استان تهران قرار دارند، وضعیت متفاوتی پیدا کرده‌اند. با تمام این اوصاف، نباید فراموش کرد که تمامی این میدان‌های محلی (اعم از زنان شاغل، محافظه‌کاران، مرکزنشین‌ها، لات‌ها و...) را باید در یک کلّیتِ درهم‌تنیده نگریست و برآیند کلی این صف‌آرایی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی – که برندگان و بازندگانی ازپیش‌تعیین‌شده ندارند – را می‌توان در کشاکش این نیروهای اجتماعی و سایر نیروها جستجو کرد.

همان‌طورکه در بخش یافته‌ها مشاهده کردیم، از بین میدان‌های محلی شناسایی‌شده که به‌ترتیبِ وسعت شبکه شامل زنان دارای مشاغل آنلاین، سلبریتی‌ها، محافظه‌کاران، مرکزنشین‌ها، لات‌ها، ترک‌زبان‌ها و کفتربازها بودند، بیش‌ترین مرجعیت صفحه‌های پُرمخاطب ملی، به‌ترتیب در میدان سلبریتی‌ها، زنان شاغل و محافظه‌کاران دیده می‌شود و از این جهت این سه میدان محلی آنلاین، قابلیت تأثیرگذاری مستقیم‌تری بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی شهروندان دارند. میدان‌های محلی زنانِ دارای مشاغل آنلاین به‌طور معناداری در مناطقی از استان تهران قدرت بیش‌تری دارند که مهاجرپذیرترند، در سال‌های اخیر در آن‌ها شهرک‌سازی انجام شده و نهادهای سنتی، مذهبی و حکومتیِ ضعیف‌تری دارند. در نقطه مقابل، در شهرستان‌هایی که ویژگی‌های مذکور کم‌تر دیده می‌شود، میدان‌های محلی محافظه‌کاران، قدرت بیش‌تری دارند. با وجود این‌که زنان دارای مشاغل آنلاین، با جریان‌های سیاسی تغییرخواه هم‌سویی بیش‌تری دارند، اما با توجه به اقتضائات شبکه‌سازی‌های آنلاین و آفلاین‌شان، در بیش‌ترین فاصله با اجتماع‌های سیاسی قرار دارند. این تنوع‌های جغرافیایی در شکل‌گیری تدریجی انواع شبکه‌های محلی نشان می‌دهد که ساکنان بخش‌های حاشیه‌ای در استان تهران (اعم از ساکنان قدیمی و جدید) در یک موقعیت اجتماعی یکسان و تعمیم‌پذیری قرار ندارند و ازاین‌رو نمی‌توان تصور کرد که به‌طور مطلق و به یک میزان دچار انزوای سیاسی و اجتماعی شده‌اند.

همان‌طورکه نتایج نشان می‌دهند، برخلاف جریان سیاسی محافظه‌کار (اصولگرا) که توانسته است حامیان محلی خود را متناسب با اقتضائات عصر دیجیتال نیز شبکه‌مند و نهادمند کند، جریان‌های تغییرخواه (اعم از اصلاح‌طلب تا برانداز) فاقد چنین حامیان محلیِ هستند و همچنین در نبودِ سازمان‌های سیاسی کارآمد در سطح ملی، به ارتباطِ صرفاً رسانه‌ای با شهروندان روی آورده‌اند.

یکی از مورد ارجاع‌ترین روایت‌ها از صف‌آرایی‌های اجتماعی در نقاط حاشیه‌ای تهران، روایتی است که آصف بیات در کتاب «سیاست‌های خیابانی» و ناظر بر وضعیت حاکم در سال‌های منتهی به انقلاب تا اوایل دهۀ ۷۰ مطرح می‌کند. در آن روایت، آن

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

چه به هنر بقا تشبیه می‌شود، زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی است؛ جایی که مردمان فقیر با استفاده از فرصت‌های موقت، کارهای غیررسمی، مشاغل خرد و شبکه‌های اجتماعی (آفلاین) فقدان دسترسی به منابع رسمی را جبران می‌کنند (بیات، ۱۳۹۱). اما پیش‌روی‌های آرام در سال‌های اخیر از چهار جهت با دوره‌ای که بیات در کتاب «سیاست‌های خیابانی» روایت‌گرش است تفاوت دارد:

۱. علاوه بر شبکه‌های اجتماعی آفلاین، شبکه‌های اجتماعی آنلاین نیز تبدیل به بخش جدانشدنی از زندگی روزمره مردم شده‌اند.

۲. نیروی اجتماعی‌ای که در سال‌های اخیر در مناطق پیرامونی شهر تهران برای بقا می‌جنگد، علاوه بر طبقهٔ فرودست، پریکاریات[1] یا طبقهٔ متوسطی که در معرض فرودست‌شدن قرار دارد را نیز شامل می‌شود.

۳. تمرکز جغرافیایی این نیروهای اجتماعی از سکونت‌گاه‌های غیررسمی به شهرک‌های جدید حاشیهٔ تهران منتقل شده است.

۴. پیش‌روی‌ها به‌سمت داشتن یک زندگی معمولی و آبرومندانه تغییر جهت داده‌اند.

در مورد تفاوت اول می‌توان گفت که با فراگیرشدن نسبی اینترنت در زندگی روزمرهٔ شهروندان، پیش‌روی‌های آرام در رفت‌وبرگشت‌های مداوم میان فضای آنلاین و فضای آفلاین شکل پیچیده‌تری پیدا کرده‌اند. به‌موازات جنبشی‌شدن هرچه بیش‌تر جامعهٔ ایران از اواخر دههٔ ۱۳۸۰ و گسترش هرچه بیش‌تر اینترنت در ایران، سیاست هرچه بیش‌تر بر مدار اینترنت چرخیده و درعین حال «زندگی به‌مثابهٔ سیاست» به‌عنوان شکل اصلی رفتار و کنش سیاسی در ایران، هرگز اهمیتی کم‌تر از سایر جلوه‌های کنش سیاسی نداشته است (قلی‌پور، ۱۴۰۲). با توجه به این‌که بیات هنوز هم تمایلی به اطلاق عناوینی مانند «جامعهٔ شبکه‌ای» و «جامعهٔ جنبشی» به «جوامعی مثل ایران» ندارد (بیات، ۱۴۰۳)، نمی‌توان انتظار داشت که این نوع تأثیروتأثر مداوم میان فضاهای آنلاین و آفلاین و به تبع آن، گسترده‌تر و پیچیده‌ترشدن بستر ظهور و بروز جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در ایران را چندان جدی گرفته باشد.

برای توضیح بیش‌تر تفاوت‌های بعدی، لازم است روی پدیدهٔ نسبتاً متأخر شهرک‌سازی‌ها در مناطق پیرامونی مکث کنیم. یکی از اصلی‌ترین عوامل جابجایی جمعیت در سال‌های گذشته در استان تهران، شهرک‌های جدید بوده‌اند. با آن‌که هدف از احداث این شهرک‌ها، عدم تمرکز جمعیت در درون مناطق کلان‌شهری است، این شهرها خود از روندهای تمرکز جمعیت و فعالیت تأثیر می‌پذیرند. مطالعات انجام‌شده دربارهٔ برخی از مهم‌ترین شهرهای جدید کشورهای درحال‌توسعه نشان می‌دهد که از ابتدا هدف اصلی اسکان جمعیت در این شهرها معطوف به اقشار متوسط بوده است؛ چراکه با توجه به بدیهی تلقی‌شدن ناسازگاری توان مالی گروه‌های کم‌درآمد با حداقل قیمت‌ها در بازار زمین و مسکن این شهرها، در بسیاری از این شهرها از همان ابتدا سیاست اسکان گروه‌های کم‌درآمد اتخاذ نشده بود (خاتم، ۱۳۸۳). این همان اتفاقی است که تا حد زیادی در مناطقی مانند پردیس، پرند و سایر شهرک‌های نسبتاً جدید در پاکدشت، قرچک و اسلامشهر رُخ داده است. بیات معتقد است این نوع اماکن حاشیه‌ای می‌توانند حامی بقاء، رشد و تمهیدات اجتماعی جایگزین برای مردمی باشند که نمی‌توانند هزینهٔ زندگی «به‌هنجار» و «جریان غالب» را بپردازند؛ زیرا فضاهای حاشیه‌ای اگرچه از فرصت‌های ارائه‌شده توسط جریان اصلی محرومند، هزینه‌ها و محدودیت‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی جریان غالب را نیز ندارند. در چنین وضعیتی، بازیگران خلاق می‌توانند مکان‌های حاشیه‌ای را به عرصهٔ

1. Precariat

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

سَرزندگی و نوآوری و مکانی بالقوه برای بروز ضدقدرت بدل کنند (بیات، ۱۴۰۱). بیات در کتاب «انقلاب بدون انقلابیون» تبیینی در سطح کلان‌تر در این خصوص ارائه می‌دهد. از نظر او، شهری‌بودن اعتراضات در کشورهای خاورمیانه‌ای در سال‌های اخیر، که در آن حدود ۴۵% جمعیت در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، ناشی از این پویایی تناقض‌آمیزی است که زندگی در شهرهایی مانند تهران، قاهره، استانبول و تونس ایجاد کرده و موجب برانگیختن اعتراضات می‌شود. شهرنشینی نیازها و تعهدات خاصی را برای ساکنان خود ایجاد می‌کند و درعین‌حال حقوق و انتظارات معیّنی را به آن‌ها القا می‌کند. این امر محدودیت‌های خاصی را بر نحوهٔ زندگی در شهر تحمیل می‌کند؛ اما فرصت‌های فوق‌العاده‌ای هم برای شبکه‌سازی، ساختن ذهنیت شهری و بیان مخالفت ارائه می‌دهد (بیات، ۱۴۰۲). ازاین‌روست که برخلاف دهه‌های ۵۰ و ۶۰ که تهیدستان در تمنای داشتن یک زندگیِ نَه‌چندان آبرومندانه در سکونتگاه‌های غیررسمی از تعقیب دولت می‌گریختند، امروزه ساکنان سکونتگاه‌های رسمی در شهرک‌های جدید که عمدتاً پشت دروازه‌های شهر تهران قرار گرفته‌اند، با بهره‌مندی از الگوی پیچیده‌تری از پیش‌روی آرام، برای داشتن یک زندگی معمولی و آبرومندانه، مطالبهٔ یک دولت کارآمد و غیرسرکوب‌گر را دارند.

یافته‌های این پژوهش به‌وضوح نشان می‌دهند که قدرت‌مندترین میدان‌های محلی که هم‌سویی مشهودی نیز با جنبش‌های اعتراض‌آمیز (به‌خصوص جنبش زن، زندگی، آزادی) را دارند، در همین مناطق حاشیه‌ای و با محوریت زنانِ دارای مشاغل آنلاین شکل گرفته است. بر اساس مفهوم‌پردازی‌های گرانووتر و کاستلز، این میدان‌های محلی که بر اساس پیوندهای ضعیف میان شهروندان شکل گرفته‌اند، بر اساس درهم‌تنیدگی‌هایی که بین جنبه‌های آنلاین و آفلاین خود دارند، یک واقعیت ترکیبی در فضای شهری ایجاد کرده‌اند که نقش به‌سزایی در قدرت‌یابی زنان طبقهٔ فرودست ایفا می‌کنند. یکی از نمونه‌های متأخر از کارهای پژوهشی برای رسیدن به بُرشی عمیق‌تر از اهمیت این نیروهای اجتماعی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد مهتاب همپائی است که روایت مردم‌نگارانه‌ای از مقاومت روزمرهٔ زنان شاغل در سکونتگاه‌های پیراشهری ارائه می‌دهد (همپائی، ۱۴۰۳). همچنین، بر اساس پژوهش رکسانا بهرامی‌تاش، زنان کارآفرین در کسب‌وکارهای خُرد و بخش غیررسمی در ایران، علاوه بر این‌که – در واکنش به تفکیک‌شدگی جنسیتی – با تمرکز بر فضاهای عمدتاً زنانه، از رقابت نابرابر با مردان رها شده و فرصت‌های جدیدی در بازار برای خودشان به‌وجود آورده‌اند، از طرفی نیز با استفاده از جلسات دوره‌ای قرض‌الحسنه‌ای میان زنان، مشکل عدم دسترسی زنان به وام‌های خرد را نیز حل کرده‌اند (بهرامی‌تاش، ۱۳۹۹). بهرامی‌تاش بر اساس پژوهش دیگری که با همکاری شهلا کاظمی‌پور انجام داده است، دلیل این‌که بسیاری از زنان، بخش غیررسمی را ترجیح می‌دهند، این می‌دانند که این‌گونه مشاغل به آن‌ها اجازهٔ حضور در کنار خانواده‌شان را می‌دهند (بهرامی‌تاش و کاظمی‌پور ۱۴۰۲). اما به‌نظر می‌رسد این گزاره دست‌کم درخصوص مشاغل غیررسمی زنان که در سال‌های اخیر گسترش پیدا کرده‌اند، تعمیم‌پذیری کم‌تری پیدا کرده است. مشاهدات ما نشان می‌دهد که بسیاری از زنانی که از یک طرف به‌لحاظ طبقاتی بر روی یک زمین لغزنده حرکت می‌کنند و در سوی دیگر در داخل خانه‌هایشان درگیر تضادهای جنسیتی هستند، برای کاستن از وابستگی‌های اقتصادی نسبت به مردِ خانواده به این مشاغل روی آورده‌اند.

به‌طور کلی، شکل‌گیری این میدان‌های محلی آنلاین، بخشی از دستاوردهای «سیاست حضور» زنان است که علاوه بر جنبه‌های آنلاین، مابه‌ازاهای آفلاین نیز پیدا کرده است. در سیاست حضور نَه مراجعه‌ای به مقامات صورت می‌گیرد و نَه افراد ضرورتاً حضور را برای مقاومت در برابر سازوکار قدرت انتخاب می‌کنند. برعکس، آن‌ها در وهلهٔ نخست، بهبود وضعیت زندگی شخصی خود را مدنظر دارند و هدفشان مقاومت نیست؛ اما وقتی این رفتارها در مقیاسی بزرگ صورت می‌گیرد و تعداد زیادی از افراد به‌طور هم‌زمان به آن رو می‌آورند، حاصل، شکل‌گیری یک ناجنبش اجتماعی است که قدرت را در برخی موارد وادار به

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

عقب‌نشینی و ایجاد تغییراتی می‌کند که مطلوب آن نیستند (صادقی، ۲۰۱۱). این الگوی تغییر اجتماعی، در مردم‌نگاری چندمیدانهٔ سپیده ثقفیان در جنوب شهر تهران نیز به چشم می‌خورد. در این پژوهش، ثقفیان نشان داد که چگونه فقر و تلاش والدین برای بقای اقتصادی، باعث کم‌رنگ‌شدن نقش نظارتی خانواده و حضور آسان‌تر و حتی گاهی اجباری دختران در فضاهای عمومی-محلی می‌شود؛ حضوری که سرخوشانه و یا به قصد مقاومت نیست؛ اما به‌طور ناخواسته منجر به تغییرات اجتماعی می‌شود (ثقفیان، ۱۳۹۸). این حد از محوریت‌یافتن زنانِ طبقهٔ فرودست در تحولات اجتماعی و سیاسی، دست‌کم در ایرانِ معاصر، اتفاقی بی‌سابقه است. از جنبش مشروطه تاکنون، زنان طبقات مرفه و متوسط در مقاطع زمانی مختلف و به شکل‌های گوناگون، نقش چشم‌گیری در تحولات جامعهٔ ایران ایفا کرده‌اند (کریمی، ۱۴۰۲)؛ اما به‌نظر می‌رسد زنانِ فرودست و به‌حاشیه رانده‌شده هیچ‌گاه به اندازهٔ اکنون، به‌عنوان نیروی اجتماعیِ شبکه‌مند، نقش مؤثری در تحولات جامعهٔ ایران نداشته‌اند.

برای آن‌که به فهم بهتری از دلالت‌های اجتماعی و سیاسی قدرت‌یابی زنان طبقهٔ فرودست دست یابیم، لازم است تا تأمل بیش‌تری در نقش این نیروهای اجتماعی نوظهور در اعتراضات سال‌های اخیر داشته باشیم. در سال‌های گذشته، ناتوانی دولت در ایجاد فرصت‌های شغلی در بازار رسمی برای زنان و گسترش روزافزون بازار غیررسمی موجب شده است تا بخش زیادی از زنان برای کسب معیشت، ناچار به فعالیت در مشاغل غیررسمی شوند. همانند بسیاری دیگر از کشورها، شاغلان در بازار کار غیررسمی فاقد امنیت شغلی هستند و در معرض انواع سوءاستفاده قرار می‌گیرند؛ زیرا کم‌ترین نظارتی بر این بخش وجود ندارد. این امر بر نارضایتی زنان افزوده و مشوق جدی‌تری برای حضور آنان در اعتراضات خیابانی و جنبش‌های اعتراضی فراهم آورده است (مدنی، ۱۳۹۹). در نتیجه، روندهایی که منجر به تداوم محرومیت زنانِ به‌حاشیه رانده‌شده از دستیابی به شغل مناسب در اقتصاد رسمی کشور شده‌اند، به‌طور ناخواسته و با تسهیل‌گریِ شبکه‌های محلی آنلاین، زنانِ به‌حاشیه رانده‌شده و یا پشتِ درهای مرکز مانده را به نیروی اجتماعیِ شبکه‌مندی تبدیل کرده که در تغییرات اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر، محوریت فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند.

منابع

- اشتریان، کیومرث و امیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران). فصلنامه سیاست، ۴۵(۴)، ۸۲۵-۸۴۱.
- ایسپا (۱۴۰۳). نتایج جدیدترین نظرسنجی ایسپا؛ میزان استفاده از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی. بازیابی شده از https://ispa.ir/Default/Details/fa/3472/
- بهرامی‌تاش، رکسانا (۱۳۹۹). زنان کارآفرین؛ کسب‌وکارهای خرد و بخش غیررسمی در ایران (مهشید کریمایی، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- بهرامی‌تاش، رکسانا و کاظمی‌پور، شهلا (۱۴۰۲). اقتصاد پوشیده؛ جنسیت و بخش غیررسمی. در اقتصاد سیاسی اشتغال زنان ایران ۱۳۵۷-۱۳۸۷ (صص. ۲۹۵-۳۳۴) (مهشید کریمایی، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- بیات، آصف (۱۴۰۲). انقلاب بدون انقلابیون؛ معنابخشی به بهار عربی (علیرضا صادقی و رضا آرت، مترجمان). تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- بیات، آصف (۱۳۹۱). سیاست‌های خیابانی (جنبش تهی‌دستان در ایران) (اسدالله نبوی چاشمی، مترجم). تهران: انتشارات پردیس دانش.
- بیات، آصف (۱۴۰۱). طبقه، سیاست و نظریه اجتماعی (کیهان صفری، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

- بیات، آصف (۱۳۹۸). طغیان طبقهٔ متوسط فرودست؛ گفتگو با آصف بیات. ایران فردا، (۵۷)، اسفند ۱۳۹۸.
- بیات، آصف (۱۴۰۳). گفت‌وگوهای زندان و جنبش مهسا؛ نامهٔ آصف بیات به سعید مدنی. بازیابی شده در ۱۴۰۳، از https://www.aasoo.org/fa/articles/4750
- ثقفیان، سپیده (۱۳۹۸). در تقاطع سنت، فقر و جنسیت؛ یک مردم‌نگاری چندمیدانه در جنوب شهر تهران. تهران: انتشارات خرد سرخ.
- حاجی‌زادگان، ابوالفضل (۱۴۰۳). سبقت‌گرفتن اینفلوئنسرها از سلبریتی‌ها؛ پنجمین گزارش سالیانه پیرامون روندهای تغییر در اینستاگرام ایرانی از سال ۱۳۹۸ تا سال ۱۴۰۳. بازیابی شده از https://mashghenow.com/?p=6150
- خاتم، اعظم (۱۳۸۳). متقاضیان اسکان در شهرهای جدید منطقه تهران. در سمینار بین‌المللی شهرهای جدید. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
- قلی‌پور، مجتبی (۱۴۰۲). اینترنت و رفتار سیاسی در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی، پاملا (۱۴۰۲). زندگی خانگی و فرهنگ مصرفی در ایران؛ انقلاب‌های داخلی در عصر مدرن (زهرا طاهری، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- لطیفی، مارال (۱۴۰۳). پذیرش شکست؛ افت اقشار میانی جامعه، نمونه تهران. تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- مدنی، سعید (۱۳۹۹). آتش خاموش؛ نگاهی به اعتراضات آبان ۹۸. تهران: مؤسسه رحمان.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). سالنامه ۱۴۰۰. بازیابی شده از https://amar.org.ir/Portals/0/PropertyAgent/6200/Files/31009/400-23-03.pdf
- همپائی، مهتاب (۱۴۰۳). تقلا برای زیستن: روایت زنان از سکونتگاه‌های پیراشهری. مصاحبه توسط مؤسسه شک با همکاری انجمن انسان‌شناسی ایران.
- هنیش، ناتالی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نوربرت الیاس (عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم). تهران: نشر نی.
- Areekijseree, K. (2019). Network sampling through crawling. Syracuse University.
- Blondel, V. D., Guillaume, J.-L., Lambiotte, R., & Lefebvre, E. (2008). Fast unfolding of communities in large networks. Journal of Statistical Mechanics: Theory and Experiment, 2008(10), P10008. https://doi.org/10.1088/1742-5468/2008/10/P10008
- Castells, M. (1996). The rise of the network society. Blackwell.
- Conley, T. L. (2012, April 19). Introducing the Online-Offline Continuum. Retrieved from https://taralconley.org/breakfast-edd-omlette/2012/04/20/introducing-the-online-offline-continuum-a-work-in-progress
- Granovetter, M. S. (1973). The strength of weak ties. American Journal of Sociology, 78(6), 1360–1380.
- Hampton, K. N., & Wellman, B. (2018). Lost and saved... again: The moral panic about the loss of community takes hold of social media. American Behavioral Scientist, 62(8), 1056–1076.
- Huang, C. Y., Chin, W. C. B., Fu, Y. H., & Tsai, Y. S. (2019). Beyond bond links in complex networks: Local bridges, global bridges and silk links. Physica A: Statistical Mechanics and Its Applications, 536, 122517.
- Putnam, R. D. (2015). Rebuilding America's communities. Harvard Business Review. Retrieved February 12, 2025, from https://hbr.org/2015/03/rebuilding-americas-communities
- Sadeghi, F. (2011). Women, power, and resistance in post-revolutionary Iran. Women Living Under Muslim Laws.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]

- Salehi, M., Rabiee, H. R., & Rajabi, A. (2012). Sampling from complex networks with high community structures. Chaos: An Interdisciplinary Journal of Nonlinear Science, 22(2), 023119.
- Serino, M. (2021). Culture and networks in online social fields: Studying the duality of culture and structure in social media through Bourdieu's theory and social network analysis. Italian Sociological Review, 11(3), 369–389.
- Stivala, A. D., Koskinen, J. H., Rolls, D. A., Wang, P., & Robins, G. L. (2016). Snowball sampling for estimating exponential random graph models for large networks. Social Networks, 47, 167–188.
- Wu, T. (2024). Large-scale group decision-making involving community representatives: A perspective of combining strong and weak ties. Information Fusion, 108, 102306.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2025-10-07]